

حاجی عبدالرازق

حاجی عبدالرازق فرزند مولانا حاجی عبدالخاق مشهور بملا صاحب پای لوج اندری است . در ۱۶ صفر ۱۲۸۰ قمری در قرینه پای لوج که در ۱۲ میلی شهر غزنه است متولد گردید .

والد ماجد شان مولانا حاجی عبدالخاق ابن ملا ابوبکر آخندزاده ابن ملا عبدالرحمن آخندزاده اندری است که هر دو نفر (پدر و جد شان) از علماء کبار زمان خود بوده اند تفصیلات مکملی از سوانح ایشان در دست نیست سرف در کتابخانه مرانی ایشان بعضی نوشته‌جات علمی در حواشی کتب علمیه موجود است که نماینده تتبع و مقام شایخ علمی شان بشمار میرود .

مولانا حاجی عبدالخاق در تدریس و تقوی شهرت بسزا یافته و تحصیلات علمی شان در نزد والد فاضل و بعد بهند تکمیل گردیده است . اکثر علمای معروف زمان ایشان از حوزه تدریس حاجی مرحوم استفاده کرده اند چنانچه از جمله تلامذ معروف ایشان جناب ملا نجم الدین آخندزاده مشهور به آخندزاده صاحب تگاب (قبله گاه جناب میان گل جان صاحب) بوده .

جناب فاضل ممدوح در طریقه قادریه از خلفای او لین حضرت آخند صاحب سوات علیه الرحمه بوده ولی تدریس علوم را نسبت به بریا نمودن خانقاه و تصوف ترجیح میدادند از آن رو نمی خواستند باین راه اقدامی نمایند و یا از این رهگذر شهرتی داشته باشند .

حاجی عبدالخالق در اواخر عمر از حضور امیر عبدالرحمن خان در جمله چهار نفر علمای نامداری بودند که از بین همه علمای افغانستان انتخاب و در پای تخت توفیق داشتند و در عین حال در مدرسه شاهی کابل که از طرف امیر عبدالرحمن خان تاسیس شد بتدریس علوم مشغول شدند عاقبت در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۰۸ قمری بمرض کوارا دار فانی را وداع نمود، عمر شان ۹۵ سال و از جمله شصت سال بتدریس و افاضه علوم مشغول بودند مناسفانه جز حواشی در بعضی کتب اثری دیگر بوجرد نیآورده اند.

حاجی عبدالرازق علوم ابتدائی را از محضر پدر فاضل خود حاجی عبدالخالق مذکور استفاده کرده و در ۱۹۷ قمری بهمن رفته در پشاور، بنارس، بهار، نپور مسافرت کرده و بتحصیل علم مشغول گردید، مخصوصاً چندی در محضر تدریس حضرت مولانا رشید احمد صاحب گنگوهری رحمه الله علیه که عالم مشهور و معروف هندوستان و استاد عمومی عصر خود بوده استفاضه نموده و در ۱۲۰۷ قمری بوطن خود مراجعت نموده و به آخرین ملاقات با پدر زرگزار خود موفق گردید.

پس از وفات قبله امجدش با مرو اشاره اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان بجانشینی قبله گاه شان در ۱۳۰۸ قمری انتخاب گردید و مورد تلمظ امیر موصوف واقع گشت و در تعیین حال عمده سال تدریس مدرسه شاهی نیز گردید.

پس از فوت اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان در دوره اعلیحضرت امیر شهید بیشتر مورد توجه و مراحمات قرار گرفتند و علاوه وظائف علمی بمشوره های خصوصی و رسمی دولتی نیز شامل بوده و در ۱۳۲۲ قمری یکی از اعضای مهم هیئت سفارت فوق العاده که تحت ریاست سردار عنایت الله خان جهت مذاکرات مسائل سیاسی با حکومت برطانیه بهمنند رفته مقرر گردید.

پس از مراجعت از هند جمیع امور عدلی را مطابق تشکیلی ذیل مؤظف شدند: محفلی بعنوان (مجلس میزان التحقیقات الشعیه) بشمولیت ۱۲ نفر از علمای اعلام تحت ریاست ایشان تشکیل گردید که امتحان قضات و هر گونه

مناصب علمی و تدقیق در فیصله های محاکم افغانستان و انتخاب قضات و سایر
 مامورین محاکم عدلی از اختیارات این محفل بوده است .

نظر با اعتماد کامل حکومت و عقائد و ارادت قبائل علاوه از وظائف مذکور
 امور راجعه بسرحد (که فعلاً ریاست قبائل عهده دار است) نیز بعهده
 ایشان مفوض بود .

جناب حاجی عبدالرزاق در موقع اعلان استقلال افغان درین قبائل و ملت
 افغانستان مجاهدات شایان قدیری را اجرا نموده است و یکی از رؤس مجاهدین
 بشمار میرود و کار نامه های ایشان در این راه مقدس در جرائد آن زمان
 مخصوصاً هندوستان انعکاس یافته و در نزد ورثه مرحوم موجود و ملاحظه
 شد . در عین حال حاجی مرحوم یکی از نویسندگان مقتدر بوده که شاید در عصر
 خود کمتر نظیر داشته اند .

حاجی عبدالرزاق با وجود دیگر افتخار بهای زیادی که همیشه با مور مهمه
 داشتند در هیچ وقت از درس دادن طلبه فارغ نمی بودند و مطالعات زیادی
 در علوم داشتند اکثر علمای افغانستان شاگرد یا همقطار شاگردان شان و ده که
 از نخبه تلامذشان سه ذرات معظم ذیل را متذکر میشوند :

(۱) جناب حضرت صاحب میان فضل محمد صاحب مغفور مرحوم مجددی
 معروف به (شمس المشایخ) *

(۲) جناب حضرت صاحب میان فضل عمر صاحب مجددی معروف به
 (نور المشایخ)

(۳) جناب ملا عبد الرحمن خان رئیس سابق محکمه تمیز عدلیه که از طرف
 حکومت امانی اعداء شد حاجی ممدوح در عالم ریاضی قدیم و جدید هیئت
 وجفر فیا مهارت نامی داشت و در سایر علوم عربی و اسلامی متبحر و متتبع
 بود . مخصوصاً در علوم تفسیر و حدیث و تاریخ اسلامی احاطه کافی داشت که
 شاید در دور خود کمتر نظیر داشت .

نظر بکثرت گرفتاری در امور تدریس و تبلیغ و مهمات مجواه از طرف دوات متأسفانه حاجی بتا لیبف و بوجود آورنده آن علمی مرفق نکشت بجز چند جدول در تعیین نماز عشا و ظهر که در جنتری‌ها دیده میشود از آثار ایشان است بلکه جدول تعیین اوقات خمره را از روی قواعد ریاضی مطابق بشرع نیز تدوین و ترتیب نموده اند که بطبع نرسیده .

حاجی صاحب ممدوح نه تنها در دربار سلاطین معاصر خود و در بین ملت افغانستان موقعیت و محبوبیت تامی حاصل کرده بودند بلکه در ممالک اسلامی شهرت بسزائی یافته بودند و تصمیم داشتند با اینکه در راه حصول توحید عالم اسلام مساعیاتی بنمایند و اگر لازم شود عنوان نما بنده ملی و مذهبی اسلامی افغانی بممالک ایران ، ترك ، عرب و غیره مسافرتی کرده و درین باره تبلیغات لازم بنمایند ولی متأسفانه موت در رسیدن و تقاریخ روز جمعه ۱۶ رضان المبارک ۱۳۴۳ که مطابق بود به ۲۵ حمل ۱۳۰۵ شمسی بمرض ذات‌الجبب عمر ۶۳ ساله کن بدار باقی از حال نمود .

جنزه آن مرحوم با کمال اعزاز و اکرام در حلیکه اکثر از اهالی دارالسلطنه کابل و طلبه معارف و علما و فضلا و اعز و معارف و هیئت سفارت ترکیه و ایران شامل بود که در ^{شکوه علم ایشان و بطالعات} ^{مشهد} ^{پل خشتی} حواله داده گشته از آنجا بهمان ازدحام دریل شاه د و شمشیر ^{علیه السلام} حمل و بموجب وسیت شان بغزنه نقل و در فریه جان آباد که در ۱۲ میلی شرقی شهر غزنه واقع است بخاک سپرده شد .

از حال این عالم جلیلی در قلوب مسلمین و در فضای اسلامیت انعکاس شدید نموده که نگارنده چند نمونه آنرا از روزنامه های که بنظر رسیده اقتباس نموده از نظر قارئین گرام گذارش میدهم :

جریده امان افغان در شماره ۳-۵ سال ششم تاریخی ۲۹ حمل ۱۳۰۵ شمسی خود بعد از اینکه مقاله خویش را بعنوان (موت العالم موت العالم) افتتاح میکنند مینویسد «يك ضیاع ابدی يك خسارت بزرگ باوفات حضرت آیات علامه فاضل

و استاد بگما نه کامل عالم با عمل علم گستر و مجاهد غیور دین پرور جناب حاجی عبد الرزاق غفر الله له از حوادث بسیار مؤلمه که ورت انگیز صه خاطر عموم ملت افغان بلد که علاقه مندان با سلام و عالم اسلام را فوق العاده مهتر و نساخته است « از در حصه د بگر مینه بسد » جناب حاجی صاحب آخربن فرداز علمای بزرگ وطن بودند که رتبه استادی عموم طبقه حاضره علماء را داشتند و علما موجوده شاگرد یا همقطار شاگردان شان میباشند . جناب حاجی صاحب بتوارث از خاندان علم و دیانت بودند اگر چه در همه رشته های علم مروجه استاد بوده و طلبه را درس میدادند . ولسی در علم ریاضی و هیئت فن حدیث متخصص بودند از تاریخ مخصوصاً تاریخ اسلام و جغرافیا و اخلاق واقفیت نامی داشتند . با این همه جناب حاجی صاحب فکر سیاسی هم داشتند و سیاست اسلامی و سیاست وطن خوب آگه بودند از مقتضیات عصر حاضر و تمدن صحیحه که برای شرقی ها و مسلمین اکتساب آن لازم است مستحضر بوده ترویج آنرا و درس علوم حاضره را ضروری میدانستند . جناب حاجی صاحب يك عالم خیلی متقی و پرهیزگار و حق گوی بودند . فوق العاده درد دین اسلام داشتند بجهاد علاقه مندی مخصوصی را دارا بوده مساعی زیبایی در این اولم ~~نشر کرده اند~~ و آلام بسیاری درین طریق متحمل شده اند البخ . **زبان جامع علوم انسانی**

اخبار ملی (ثروت) نیز شرح مفصلی در شماره ۳ مورخه اول نور ۱۳۰۴ در اطراف این ضائعه بزرگ نوشته که قسمتی از آن ذیلاً اقتباس میشود :

« جناب حاجی صاحب مرحوم يك عالم فاضل و رواننده جریانات کنونی دنیای امروزه و يك علاقه مند بزرگ اسلام و وطن بوده به جهاد فی سبیل الله حرص و ولع مفرطی داشتند در عین حال که حصه بزرگ را از علوم شرقیه و اجتماعیات و معلومات ادبی و تاریخی را دارا بودند يك روح بانشاط عسکری و فداکاری در ایشان موجود بود که وصعیت شان بکمال حماسیت این فرد را افاده مینمود : (الخیل و السلیل و البیداء یعرفنی - الضرب و الحرب و القرطاس و القلم)

مجاهداتی که این مرد با عاطفه شخصاً در راه اسلام نمودند نمیتواند این جریده
 موجز آنها را شرح دهد . . . »

باز در حصه دیگر مقاله خود مینویسد : « جناب حاجی صاحب مرحوم خیلی
 عقیف النفس و درخوراك و یوشاك بی اعتنا بوده در حین تواضع يك وقار و استغنائی
 داشتند بعلم خصوصاً بمطالعه خیلی حریص بودند . آخرین ترانه زنده گی شان این
 کلمات بود : من خیلی افسوس میکنم آرزو نداشتم که در بستر بمرض
 ذات الجنب بمیرم من میخواستم در مقابل دشمنان اسلام و انسانیت خون خود را
 بریزم افسوس که بایکدل بر آرزو بخاك رقتم »

در مملکت دوست و برادر اسلامی ما ایران از طرف مجتهد بزرگ و معروف
 آقای آیت الله زاده اعظم خراسانی بموجب اعلان رسمی که در تاریخ ۱۹
 ذی قعد ۱۳۴۳ بصورت فوق العاده از طرف اداره روزنامه بهار نشر شده از اوصاف
 و مزایای حاجی ممدوح شرح مطولی و از فوت شان اظهار حزن و الم نموده
 و تعزیت آن مرحوم را در مسجد جامع کبیر کوه رشاد در مشهد مقدس رسماً
 اعلام داشته و با تجلیل و احترامات فوق العاده از طرف سلسله علما و نمایندگان
 رسمی دولت و اهالی استقبال کرده است اینک برخی از عبارات فوق العاده
 روزنامه بهار :

رتال جامع علوم انسانی

« ناشر شرائع دین مبین حضرت سید المرسلین و حاتم النبیین و استاد کلی
 قضات و مفتیین مملکت اسلامیة افغانستان و اعلم علمای آن سرزمین دانش نشان
 علم الاعلام و ثقات الانام و مروج الاسلام آخوند صاحب الحاج ملا عبدالرازق خان
 که همیشه اتحاد ایران و افغان را رکن رکن و برای جلو گیری از شباهت
 مخالفین شرع مبین بمثابه سدی آهنین بوده اند در کابل اخیراً دارفانی را وداع
 گفته و بسرای جاودانی شتافته اند .

فقیه فقید قطع نظر از علو درجات علمیة و مقامات علمیة و روحانیة مهارت
 در کلیه اصول و فنون قضائیه و نفوذ و اقتدار معنویة در تمام طبقات افغانیه

با بران دوستی و اتحاد طلبی بین در دوات الامیه موصوف و همتش باین مقصود عالی مصروف بوده و هیچگاه از کماک و تبلیغات سری و علنی برای وصول باین مقصد مذهبیه و وطنی خود داری ننموده و نابود همین طریق دقیق را می پیمود . آخوند صاحب مغزور یکی از مجاهدین درجه اول و بار و بارها در محاربات ملی و دفاع از اجانب نخصاً حاضر ، یادین رزم و قتال شده و عملاً ملت خود را برای حفظ و حر است آثار ملی برانیکه بخته است :

جریسده مهر منیر ایسران منتشره در مشهد در شماره ۸ - ۲۶ ذالقعده ۱۳۲۲ مقاله نسبت بوفات حاجی ممدوح نگاشته است که تقریباً مضمون فوق العاده بهار را تکرار نموده .

مجامع علمی و ملی هندوستان نیز محافل تعزیت و ترحیم نسبت بوفات آن مرحوم انعقاد و مضامین داچسپیی از مزایای ایشان در جرائد نشر نموده اند که در نژوده یافته باز ماندگان مرحوم حاجی ملاحظه شد .

عالمشاهی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصل اول در بیان اهمیت تعلیم و تربیت
 (۱) تعلیم از پایه های اساسی است که در هر جامعه ای باید برقرار باشد و هدف از آن پرورش انسانهای صالح و متعهد است.
 (۲) در این زمینه باید به روشهای نوین و استفاده از ابزارهای مدرن توجه داشت.
 (۳) همچنین باید به اهمیت نقش خانواده و جامعه در فرآیند تعلیم و تربیت توجه داشت.
 (۴) در نهایت باید به اهمیت سرمایه انسانی در توسعه و پیشرفت یک کشور توجه داشت.

(۱) (۱۳۲۱) ...
 (۲) (۱۳۲۱) ...
 (۳) (۱۳۲۱) ...
 (۴) (۱۳۲۱) ...